



Financial seizures of managers of Private limited companies From the point of view of jurisprudence and Iranian law

AmirHossein Mehdian¹, Akbar Fallah^{2*}, Ali Faqihi³

1. PhD Student Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Humanities, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.
2. Assistant Professor Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Humanities, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.
3. Assistant Professor Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Humanities, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 131-148

Article history:

Received: 30 Mar 2022

Edition: 8 Jun 2022

Accepted: 17 Aug 2022

Published online: 24 Sep 2022

Keywords:

Financial Seizures, Managers, Private Limited Companies, Jurisprudence, Iranian Law, Guarantee

Corresponding Author:

Akbar Fallah

Address:

Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Humanities, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-7434-7758

Tel:

09111149406

Email:

Akbar.fallah4040@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: The issue of financial seizure of Private limited companies is one of the important issues that in this article will be addressed.

Materials and Methods: This article is Analytical descriptive and the library method uses.

Ethical considerations: In this article, Originality of texts, honesty and trusteeship Has been complied with.

Results: The competence and authority of the managers of Private limited companies, in accordance with the law and the articles of association of the company ,are determined. The authorization of directors to factors such as the subject matter and articles of association of the company, the authorization of general assemblies and commercial laws and regulations are limited. What is assigned to the directors is a trust and the directors are obliged to use this position only for the benefit of the shareholders in such a way that the interests of the company are provided in the best possible way. The limitation of directors in matters falling within the special competence of general assemblies, the invalidity of the legal actions of directors outside the subject of the company, the prohibition of obtaining facilities from the company and the prohibition of their competitive transactions with the company in order to prevent financial seizures of the company.

Conclusion: Illegal seizure of company property by the directors of Private limited companies is a violation of the limits of authority and duties and, as the case may be, has civil and criminal liability such as betrayal of trust.

Cite this article as:

Mehdian AH, Fallah A, Faqihi A. Financial seizures of managers of Private limited companies From the point of view of jurisprudence and Iranian law. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022; 4(3):131-148.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

تصرفات مالی مدیران شرکت‌های سهامی خاص از منظر فقه و حقوق ایران

امیرحسین مهدیان^۱، اکبر فلاح^۲، علی فقیهی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.
۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.
۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بحث تصرف مالی شرکت‌های سهامی خاص از موضوعات مهمی است که در این مقاله تلاش شده به بررسی آن پرداخته شود.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: صلاحیت و اختیارات مدیران شرکت‌های سهامی خاص که یکی از ارکان شرکت‌های سهامی محسوب می‌شوند براساس قانون و اساسنامه شرکت مشخص می‌شود. اختیارات مدیران محدود به عواملی همچون موضوع و اساسنامه شرکت، اختیارات مجامع عمومی و قوانین و مقررات تجاری است. ید مدیران شرکت‌های سهامی خاص، ید امانی است و مدیران موظف هستند از این موقعیت فقط در جهت منافع سهام‌داران استفاده کنند به نحوی که منافع شرکت به بهترین وجه ممکن تأمین گردد. لذا در قانون تجارت برای هرگونه سوءاستفاده و تقلب، محدودیت‌هایی در معاملات مدیران با شرکت وضع شده است. محدودیت مدیران در موضوعات مشمول در صلاحیت خاص مجامع عمومی، عدم اعتبار اعمال حقوقی مدیران خارج از موضوع شرکت، منع اخذ تسهیلات از شرکت و ممنوعیت معاملات رقابت‌آمیز آنها با شرکت در راستای منع تصرفات مالی شرکت از سوی مدیران پیش‌بینی شده است. **نتیجه:** تصرف غیرقانونی اموال شرکت از سوی مدیران شرکت‌های سهامی خاص، تخطی از حدود اختیارات و تکالیف تعیین شده بوده و حسب مورد دارای مسئولیت مدنی و کیفری مانند خیانت در امانت است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۴۸-۱۳۱

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۲

واژگان کلیدی:

تصرفات مالی، مدیران، شرکت سهامی خاص، فقه، حقوق ایران، ضمان.

نویسنده مسوول:

اکبر فلاح

آدرس پستی:

ایران، بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابل، دانشکده علوم انسانی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

۰۹۱۱۱۱۴۹۴۰۶

کد ارکید:

0000-0002-7434-7758

پست الکترونیک:

Akbar.fallah4040@gmail.com

۱. مقدمه

شرکت‌های تجاری در مبادلات و روابط اقتصادی خود با اشخاص دیگر، به‌مانند اشخاص حقیقی دارای حقوق و تکالیفی هستند (عرفانی، ۱۳۸۸، ۳۴). در حقوق ایران شرکتی تجاری است که به‌موجب قانون تجارت یا بر اساس لایحه قانونی ۱۳۴۷ تشکیل می‌شود و یا به صورتی غیر از آن ولی مبادرت به عملیات تجاری می‌کند (اسکینی، ۱۳۸۳، ۱، ۱۷). بر اساس ماده ۴ لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، شرکتی که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام است، سهامی است و وقتی تمامی سرمایه از طریق مؤسسين تأمین می‌شود، سهامی خاص است و وقتی بخشی از سرمایه از طریق فروش سهام به عموم تأمین می‌شود، سهامی عام قلمداد می‌شود. در این بین، اهمیت جایگاه، اختیارات و مسئولیت مدیران در شرکت‌های سهامی بر کسی پوشیده نیست. نظر به اهمیت مدیریت در شرکت‌های سهامی که نقش مهمی در تحرک واحدهای مهم اقتصادی ایفاء می‌کنند در حقوق ایران مقنن شرایط خاصی را در ماده ۱۱۱ قانون تجارت پیش‌بینی کرده است. مدیران برای اداره شرکت نمایندگی و اختیارات عمومی دارند که این نمایندگی و اختیارات آن‌ها را در مقام امین شرکت قرار داده است (عرفانی، ۱۳۸۸، ۷۹). مدیران شرکت‌های سهامی در اداره شرکت، حفظ حقوق سهامداران، شرکت و اشخاص ثالث نقش مهمی دارند، از سوی دیگر این شرکت‌ها گاهی وسیله سوءاستفاده‌ی اشخاص کلاهبردار قرار

می‌گیرند، این افراد یا به‌عنوان تشکیل شرکت سهامی و یا به‌عنوان مدیران این‌گونه شرکت‌ها سرمایه‌ی افراد را جمع‌آوری نموده و به نفع خود سوءاستفاده می‌نمایند و باعث سلب اعتماد مردم نسبت به این شرکت‌ها می‌گردند و به علت عدم صراحت قانونی در خصوص مسئولیت و با استناد به این‌که به نام شرکت عمل کرده‌اند از مسئولیت شخصی شانه خالی می‌کنند. سهامداران شرکت نیز به علت این‌که مسئولیتی بیش از سهام خود در شرکت ندارند کنترل و نظارت لازم را نسبت به اقدامات مدیران اعمال نمی‌دارد. تألیفات متعددی در زمینه شرکت‌های سهامی انجام شده است: محمد عیسی تفرشی و رضا سکوتی نسیمی، در مقاله‌ای، بیع سهام شرکت‌های سهامی را مورد بررسی قرار داده‌اند (تفرشی و سکوتی نسیمی، ۱۳۸۳). محمد ابوعطا و سیده زهرا پور رشید، در مقاله‌ای به بررسی دعوی مسئولیت مدنی سهامداران علیه مدیران شرکت سهامی در حقوق ایران و فرانسه پرداخته‌اند (ابوعطا و پوررشید، ۱۳۹۶). مهدی قنبریان نیز، در مقاله‌ای، مسئولیت مدنی بازرسان شرکت‌های سهامی عام و خاص را بررسی کرده است (قنبریان، ۱۳۹۶). اما رویکرد فقه و حقوق نسبت به تصرفات مالی مدیران شرکت‌های سهامی خاص مورد توجه قرار نگرفته است. سؤال اساسی که در این خصوص مطرح و بررسی می‌شود این است که تصرفات مالی مدیران شرکت‌های سهامی از منظر فقهی چگونه قابل تحلیل است و رویکرد قوانین تجارت در این خصوص به چه صورت است؟ به عبارتی قلمرو و

مدیران با شرکت وضع شده است. محدودیت مدیران در موضوعات مشمول در صلاحیت خاص مجامع عمومی، عدم اعتبار اعمال حقوقی مدیران خارج از موضوع شرکت، منع اخذ تسهیلات از شرکت و ممنوعیت معاملات رقابت‌آمیز آن‌ها با شرکت در راستای منع تصرفات مالی شرکت از سوی مدیران پیش‌بینی شده است.

۵. بحث

۵-۱. مدیران شرکتهای سهامی خاص

در اصطلاح حقوقی، شرکت به قراردادی گفته می‌شود که بر مبنای آن شرکا سود حاصل از شرکت را بین خودشان تقسیم می‌کنند. شرکتهای در یک تقسیم‌بندی کلی به دو گروه تقسیم می‌شوند: شرکت تجاری و شرکت مدنی. شرکت تجاری به عنوان یکی از انواع شرکتهای، به اجتماعی از افراد گفته شده که مطابق مقررات قانون تجارت، دارای شخصیت حقوقی مستقل از تشکیل‌دهندگان آن بوده و ضروری است تا مطابق مقررات مربوط به ثبت شرکتهای به ثبت رسیده و آگهی ثبت آن منتشر و برای اطلاع اشخاص ثالث اعلام گردد. شرکت مدنی، عبارت است از اجتماع حقوق دو یا چند مالک در یک شیء واحد. از آنجا که این نوع از شرکت، دارای شخصیت حقوقی مستقل از شرکا نبوده، در مرجع ثبت شرکتهای نیز ثبت نمی‌شود. بنابراین، برخلاف شرکت تجاری، فاقد تابعیت و اقامتگاه می‌باشد. شرکت مدنی با افراز و تقسیم مال مشترک میان شرکا منحل

محدودیت‌های اختیارات مدیران شرکتهای سهامی بر اساس قوانین تجاری موجود چگونه است؟ در راستای بررسی و پاسخ به سؤالات مورد اشاره ابتدا مفهوم و جایگاه مدیران شرکتهای سهامی خاص بررسی می‌شود، سپس تصرف مالی آن‌ها از منظر فقه و حقوق و در نهایت مسئولیت کیفری و ضمان مدیران در تخطی از وظایف و اختیارات تعیین‌شده بررسی می‌گردد.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

صلاحیت و اختیارات مدیران شرکتهای سهامی خاص که یکی از ارکان شرکتهای سهامی محسوب می‌شوند بر اساس قانون و اساسنامه شرکت مشخص می‌شود. اختیارات مدیران محدود به عواملی همچون موضوع و اساسنامه شرکت، اختیارات مجامع عمومی و قوانین و مقررات تجاری است. ید مدیران شرکتهای سهامی خاص، ید امانی است و مدیران موظف هستند از این موقعیت فقط در جهت منافع سهام‌داران استفاده کنند به‌نحوی که منافع شرکت به بهترین وجه ممکن تأمین گردد. لذا در قانون تجارت برای هرگونه سوءاستفاده و تقلب، محدودیت‌هایی در معاملات

درواقع در این لایحه واژه مدیران به عنوان یک مفهوم کلی، هیئت مدیره و مدیر عامل را شامل می‌شود (پاسبان، ۱۳۸۹، ۱۷۴). ماده ۴۴۲ لایحه قانون تجارت ۱۳۸۴ وضع را در این خصوص روشن نموده و اعضای هیئت مدیره، مدیر و یا مدیرعامل، مدیر یا مدیران تصفیه را به عنوان مدیران شرکت نام برده است.

بر اساس نظریه رکن بودن مدیران، مدیران در شرکت‌های سهامی خاص، یکی از ارکان شرکت و جزئی از بدنه شرکت تلقی شوند (تفرشی، ۱۳۸۳، ۱۲۶). ماده ۵۸۹ قانون تجارت بر این امر دلالت دارد. بر اساس ماده مذکور، «تصمیمات شخص حقوقی به‌وسیله مقاماتی که به‌موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می‌شود». در ماده مورد اشاره، به جای نماینده، عبارت «مقامات» به کار رفته و بدیهی است، عبارت مقامات صرفاً به معنای نمایندگان نمی‌باشد. دلیل دیگری که بر رکن بودن مدیران در شرکت‌های سهامی دلالت دارد، ماده لایحه اصلاح قانون تجارت ۱۳۴۷ است. بر اساس ماده مذکور، شرکت سهامی مطابق تشریفات قانونی و بعد از طی مقررات و تعیین مدیران تشکیل می‌شود. یعنی زمانی تشکیل می‌شود که مدیران باید تعیین شده و سمت از سوی آن‌ها پذیرفته شده باشد. بر این اساس مدیران یکی از ارکان تشکیل شرکت سهامی خاص بوده و نمی‌توان آن‌ها را وکیل قلمداد کرد. اصولاً به نظر می‌آید می‌توان شرکت سهامی خاص را دارای نوعی شخصیت حقوقی خاص تلقی کرد. حدود اختیارات هیئت مدیره در قوانین و مقررات جاری کشور،

می‌گردد (ستوده تهرانی، ۱۳۹۰، ۲، ۱۷۹). شرکت سهامی خاص یکی از انواع شرکت‌های تجاری است. مدیر در لغت از ریشه دور به معنای گرداننده و اداره‌کننده کاری از روی روش صحیح و با مدیریت است (عمید، ۱۳۶۳، ۱۰۱). مدیر در اصطلاح تجاری فردی است که اداره امور جاری شرکت و یا ینگاه اقتصادی به دست او می‌باشد (ملک‌زاده، ۱۳۹۱، ۴۳۳). در مقام تعریف مدیران شاید بتوان گفت مدیران افراد با صلاحیتی هستند که به‌وسیله صاحبان سهام برای مدت معینی انتخاب شده و کنترل و اداره شرکت را به عهده دارند. مدیران شرکت‌های سهامی خاص شامل هیئت مدیره و مدیرعامل است. هیئت مدیره، اعضای انتخاب شده‌ای است که سیاتگذاری کلان شرکت را تعیین می‌کند. از اعضاء هیئت مدیره، یکی به عنوان رئیس و یکی به عنوان نائب رئیس انتخاب می‌شود. (اسکینی، ۱۳۸۴، ۱۳۲). هیئت مدیره یا مدیران به عنوان نماینده قانونی شرکت، اداره امور شرکت را بر عهده دارند (ستوده تهرانی، ۱۳۹۰، ۲، ۱۶۴). مدیرعامل به عنوان یکی از اعضای هیئت مدیره شرکت، اداره امور عادی شرکت را بر عهده دارد (ملک‌زاده، ۱۳۹۱، ۴۳۴). به‌موجب ماده ۱۲۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷ «هیئت مدیره باید اقلأ یک نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت برگزیند...» منظور از مدیران در لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷، اعضای هیئت مدیره است و مدیرعامل را جز در صورتی که عضو هیئت مدیره باشد، مدیر قلمداد نمی‌کند. درحالی که از نظر عرف مدیرعامل نیز، مدیر شرکت محسوب می‌شود.

تجاری به دیگری می‌دهد و همه فقها متفق‌اند بر این قول که هرگاه مالی بین دو نفر مشترک باشد هیچ‌یک از شرکا حق تصرف در مال شرکت را ندارند مگر با اجازه بقیه شرکا و در صورتی که یکی از آن‌ها اذن دهد او همان شریک به تنهایی حق تصرف دارد ثانیاً وی نباید بیش از آنچه مأذون است تصرف کند و باید به همان مقدار اذن داده‌شده اکتفا نماید (طوسی، ۱۴۱۶، ۴۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲، ۱۰۶).

اگر شرکا بیشتر از دو نفر باشند تصرف هر یک از شرکاء منوط به اجازت شرکای دیگر است و هر یک از شرکاء هرگاه زیاده از اندازه اذن تصرف کند ضامن است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲، ۱۰۷-۱۰۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۱، ۲۱۹؛ شهید اول، ۱۳۷۷، ۱۵۱). در قانون مدنی نیز به این مطلب اشاره شده به طوری که در ماده ۵۷۹ آمده است: «اگر اداره کردن شرکت به عهده شرکا متعدد باشد به نحوی که هر یک به طور استقلال مأذون در اقدام باشند هر یک از آن‌ها می‌تواند منفرداً به اعمالی که برای اداره کردن لازم است اقدام کند». هرگاه در ضمن عقد شرکت شرط شود که عمل از یکی از شرکا یا از همه شرکا باشد تصرف در مال بر اساس شرط خواهد بود به طوری که اگر شرط کنند که باهم کار کنند جایز نیست که به طور متفاوت و جداگانه عمل نمایند بلکه باید با اجتماع یکدیگر کار صورت گیرد. (رسائی‌نیا، ۱۳۷۵، ۲۶۱؛ کاتوزیان، ۱۳۶۳، ۴۰۹) و اگر شرط شود که به طور جداگانه و انفرادی کار کنند باید چنان کنند و اگر شرط شود یکی از آن‌ها تصرف کند برای دیگری

اساسنامه شرکت و مصوبات مجمع عمومی صاحبان سهام تعیین می‌شود. ذکر همه موارد اختیارات و تکالیف مدیران در اساسنامه یا مصوبات مجمع عمومی مقدور نیست؛ ولی رعایت مقررات قانونی راجع به شرکت‌های سهامی، مدنظر قراردادن مقررات اساسنامه و تلاش جهت انجام تصمیمات قانونی مجمع عمومی از تکالیف مدیرعامل است. آنچه مسلم است هیئت‌مدیره باید بتواند اختیارات مدیرعامل را در صورت لزوم محدود نماید ولی این محدودیت نباید موجبات سلب مدیریت مدیرعامل را فراهم سازد.

۵-۲. ماهیت و حدود تصرف مدیران شرکت

سهامی خاص

۵-۲-۱. تصرف مالی مدیران شرکت سهامی

خاص از منظر فقهی

در خصوص تصرف مالی مدیران شرکت‌های سهامی خاص در فقه به‌عنوان یک پدیده نوظهور اظهارنظری صورت نگرفته است. با این حال در پرتو رویکرد فقه نسبت به عقد شرکت و حقوق شرکا، می‌توان به طریق اولی در خصوص تصرف مالی مدیران شرکت‌های سهامی خاص اظهارنظر کرد. در فقه امامیه، تنها شرکت عنوان مشروع و جایز شماره‌ده می‌شود تصرفات جایز برای شرکا نیز در حیطة همان نوع شرکت است. هرگاه دو نفر شریک شوند، تصرف هر یک از آن‌ها در مال مخلوط شده منوط به اذن و اجازه دیگری است به این ترتیب که هرکدام از آن‌ها اجازه تصرف در مالش را به صورت وکالت در خرید و فروش و دیگر امور

جایز نیست که تصرف کند مگر با اجازه و اذن وی، اگر به طور عموم به وی اذن دادند هرگونه تصرفی برحسب شرع در مال شریک می‌تواند انجام دهد (طوسی، ۱۳۷۸، ۲، ۴۲۶؛ محقق حلی، ۱۴۱۶، ۱۴۵). بنابراین هرگاه حدود تصرفات را معین نمودند باید بر طبق همان حدود عمل کند مثل اینکه بگویند به فلان شهر، کشور مسافرت کن یا با فلان کالا تجارت کن یا مقید کنند که باهم کار کنند تجاوز کردن از این حدود جایز نیست اگر تجاوز کرد ضامن خسارات وارده و کاهش قیمت خواهد بود. در تحریر الوسیله آمده است که عقد شرکت خودش و اطلاقش مجوز این نیست که هر یک از دو شریک در مال دیگری تصرف کند مثل آنجائی که قبل از عقد شرکت حاصل بوده و بر چنین مالی عقد شرکت ببندند و در جائیکه چنین دلالتی در بین نباشد ناچار باید هر یک از دیگری اذن تصرف بگیرد در حدود و اندازه تصرف اذن صاحب مال منبع است و اگر در عقد شرط کنند که عمل از یکی باشد یا از هر دو باشد همان شرط منبع است و باید طبق آن رفتار کرد این از حیث عامل بود اما از حیث عمل و تکسب در صورتی که اذن مطلق باشد عامل با سرمایه مشترک هر رشته کسبی که مصلحت بداند می‌تواند انتخاب کند مانند عمل در مضاربه و اگر مطلق نباشد و رشته خاصی را قید کرده باشد نظیر خریدن گوسفند، طعام و فروختن آن، خرید و فروش قماش یا غیر آن باید بهمان اکتفا شود و سرمایه اشتراکی را بکار دیگری نزند (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ۱، ۶۲۵). اگر اجازه شرکا مربوط به نوع خاصی از تصرف مثلاً

فروش کالا باشد باید به همان امر اکتفا نماید و تجاوز از آنچه که تعیین شده وی را ضامن قرار می‌دهد تنها در صورتی مجاز به هرگونه تصرف دلخواه است که اذن داده شده مطلق باشد. هرگاه شریک حدود تصرفات را معین کرد باید بر طبق همان عمل نمود به عنوان مثال صفت تصرف را از جمله بیع، سفر، تجارت در شیء معین باشد باید بر اساس آنچه شرط کرده اند عمل کرد و اگر بر خلاف آنچه که شرط به آن واقع شده عمل نمود ضامن است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲، ۱۰۶).

مبنای ممنوعیت تصرف شرکا بدون اجازه دیگران دو دلیل مهم است؛ اولاً: به علت تصرف در مال غیر بدون اذن دیگران حرام و باطل است و مجرد اشتراک بر این مطلب دلالت ندارد. ثانیاً: تصرف در مال غیر بدون مالک یا شریک عقلاً و شرعاً حرام است و این حکم مطلق است اگر اجازه شریک مربوط به نوع خاصی از تصرف مثلاً فروش کالا باشد باید به همان امر اکتفا نماید و تجاوز از آنچه که تعیین شده وی را ضامن قرار می‌دهد. تنها در صورتی مجاز به هرگونه تصرف دلخواه است که اذن داده شده مطلق باشد و آن را مقید به نوع خاصی نکنند. بدیهی است که وضعیت تصرف شریک از منظر فقهی به مدیران شرکت نیز قابل تسری است بدین معنی که مدیران شرکت سهامی خاص در صورت اجازه سهامداران در قالب مجمع عمومی اجازه تصرف در اموال شرکت خواهند داشت که در قسمت بعدی از منظر حقوقی بررسی می‌شود.

۵-۲-۲. تصرف مالی مدیران شرکت سهامی خاص از منظر حقوقی

برای شناخت تصرفات مالی مدیران شرکت‌های سهامی خاص از منظر حقوقی لازم است به اختیارات آن‌ها در حقوق تجارت پرداخته شود. در لایحه اصلاحی قانون تجارت مبحث خاص و مشخصی برای تعریف و تعیین حدود اختیارات مدیران وجود ندارد. به همین دلیل مرز میان اختیارات و وظایف مدیران مشخص نیست و به تبع آن نویسندگان حقوقی نیز در این خصوص اتفاق نظر ندارند و برخی وظایف هیئت‌مدیره از جمله دعوت مجمع عمومی سالانه جهت تصویب عملیات سال مالی قبل و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که در ماده ۱۳۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ مقرر است را از جمله اختیارات مدیران برشمردند (اسکینی، ۱۳۸۵، ۲، ۱۰۵). تشخیص اختیارات از وظایف هیئت‌مدیره آثار حقوقی مهمی نیز به همراه دارد. زیرا به حکم قاعده عدم اعمال اختیار، حق مدیر محسوب گردیده و مسئولیتی به دنبال نخواهد داشت در حالی که خودداری از انجام تکلیف مسئولیت در پی خواهد داشت (پاسبان، ۱۳۸۹، ۱۹۷). با این وجود، چارچوب کلی اختیارات مدیران در شرکت‌های سهامی در ماده ۱۰۸ و ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت مقرر گردیده است (اسکینی، ۱۳۸۵، ۲، ۱۵۱-۱۵۰؛ عرفانی، ۱۳۸۸، ۲، ۱۰۹-۱۰۸). با توجه به مواد ۱۰۸ و ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ که به بیان کلی اختیارات هیئت‌مدیره پرداخته و در نظر گرفتن این مهم که

تعریف اداره امور شرکت و تعیین و برشمردن این امور امری است بسیار مشکل، می‌توان گفت اداره شرکت به معنی انجام همه کارها و گرفتن کلیه تصمیم‌های مرتبط با مدیریت شرکت است (پاسبان، ۱۳۸۹، ۱۷۳). بنابراین می‌توان قائل به این نظر شد که مدیران شرکت جهت اداره امور شرکت، اختیارات وسیعی دارند که به‌سادگی قابل برشمردن نیست. البته می‌توان با شناسایی محدودیت‌های اختیارات هیئت‌مدیره و برشمردن استثنائات وارد بر اختیارات مدیران، آنچه را خارج از این محدوده است، جزو اختیارات مدیران دانست. لذا در این مبحث، محدودیت‌ها و در واقع سازوکارهای منع تصرفات مالی مدیران شرکت از منظر حقوقی بررسی می‌شود.

۵-۲-۲-۱. محدودیت مدیران در موضوعات مشمول در صلاحیت خاص مجامع عمومی

اولین محدودیت در تصرفات مالی شرکت در صدر ماده ۱۱۸ ذکر شده است. مطابق ماده مذکور: «جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آن‌ها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند». به کار بردن عبارت «صلاحیت خاص مجامع عمومی» در صدر ماده ۱۱۸ با قصد خاصی صورت گرفته است تا تنها موضوعاتی از حوزه اختیارات مدیران خارج شود که به‌صراحت و روشنی در مقررات قانونی در حوزه صلاحیت مجامع عمومی قرار گرفته است (پاسبان، ۱۳۸۹، ۱۹۸)

در صورت تردید، جهت حفظ حقوق اشخاص ثالث، تصمیم را از نوع مدیریتی دانسته و وارد در حوزه اختیارات مدیران بدانیم.

۵-۲-۲-۲. عدم اعتبار اعمال حقوقی مدیران خارج از موضوع شرکت

مورد دیگری که به موجب ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ از چهارچوب اختیارات مدیران مستثنی شده، موضوع شرکت است. بنابراین تصمیمات و اقدامات مدیران تنها در صورتی که در چهارچوب موضوع شرکت باشد، از اعتبار برخوردار است. دلیل این امر جلوگیری از سوءاستفاده از اختیارات مدیران و احیاناً تضرر سهامداران و نیز انطباق با این منطق حقوقی که مدیران نمی‌توانند بیشتر از شرکت دارای حق باشند، دانسته شده است (عرفانی، ۱۳۸۸، ۱۱۳-۱۱۲). موضوع شرکت که همان فعالیت‌های شرکت است یکی از موارد مندرج در اساسنامه است که سهامداران برای تحقق آن در شرکت سرمایه‌گذاری نموده‌اند. البته موضوع شرکت غالباً با عباراتی مبهم و کلی تعیین می‌شود که در این موارد به نظر می‌رسد باید ابهام را به نفع اشخاص ثالث و معامله را داخل موضوع شرکت تلقی نمود.

مطلب دیگری که اشاره به آن ضروری به نظر می‌رسد این است که ادعای عدم اعتبار اعمال حقوقی خارج از موضوع شرکت نه تنها علیه اشخاص طرف معامله با شرکت، بلکه به سود ایشان و علیه شرکت نیز قابل استناد است زیرا هدف از استثنای مورد بحث مقرر در ماده ۱۱۸ حمایت از

در لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ موضوعات مشخصی در حوزه صلاحیت مجامع عمومی عادی و فوق‌العاده قرار گرفته و تصمیم راجع به آن‌ها به این مجامع واگذار شده که مدیران قادر به اتخاذ تصمیم در این موارد نیستند. حال اگر مجامع عمومی خود اقدام به تفویض برخی از اختیارات خاص خود به مدیران نمایند، قانون در خصوص اعتبار یا عدم اعتبار این تفویض اختیارات ساکت است و مقررهای ندارد (عیسائی تفرشی، ۱۳۸۷، ۱۳۵). با توجه به این که ارکان شرکت‌های تجاری به صورت کاملاً جداگانه مرزبندی و صلاحیت‌های خاص هر کدام مشخص شده، به نظر می‌رسد صلاحیت‌های مجامع عمومی ماهیتاً از اختیارات ذاتی آن‌ها به شمار می‌رود و با تفویض این اختیارات به مدیران، رکن تصمیم‌گیرنده جای خود را به رکن اداره‌کننده شرکت داده است. در حالی که قانون‌گذار صلاحیت‌های مجامع عمومی را احصاء نموده و مواردی را از جمله موارد مقرر در ماده ۸۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی دانسته است، می‌توان به این نتیجه رسید که امکان تفویض برخی از اختیارات مجمع عمومی به مدیران وجود ندارد (پاسبان، ۱۳۸۹، ۱۴۷).

در رابطه با سایر موضوعات که مشخص نیست آیا جزو صلاحیت‌های خاص مجامع می‌باشد یا خارج از آن است، بایستی میان ماهیت آن‌ها به اینکه آیا مربوط به تصمیم‌گیری شرکت است یا به مدیریت مربوط است تفکیک قائل شد. تحلیل قاعده مندرج در ماده ۱۱۸ و استثنائات آن ایجاب می‌نماید که

شرکت است قانون‌گذار در جهت حفظ حقوق شرکت و سهامداران به شرح ماده ۱۳۲ ل.ا.ق.ت. تحصیل هرگونه وام یا اعتبار مدیران از شرکت را ممنوع اعلام داشته است و اصولاً این نوع اقدامات به خودی خود باطل اعلام شده است. از آنجا که سرمایه شرکتهای تجاری (به استثناء بانکها و شرکتهای مالی و اعتباری) باید در گردش ثروت و تجارت بکار گرفته شود و لذا پرداخت وام (قرض) بدون بهره و تضمین دیون اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) که ممکن است سرمایه شرکت را به خطر اندازد باید قانوناً ممنوع باشد (تفرشی، ۱۳۸۳، ۲، ۱۱۳).

در صورتی که مدیران و اعضای هیئت‌مدیره بدون در نظر گرفتن ممنوعیت قانونی مورد بحث اقدام به اخذ وام از شرکت نموده و یا تعهدات مالی و دیونی که در قبال دیگران به عهده گرفته‌اند را از محل دارائی شرکت تضمین نمایند و در اثر چنین اقدامات آنان، شرکت متضرر گردد، و وفق مقررات، جبران آن به عهده کسانی خواهد بود که موجبات بروز چنین زیانی را فراهم کرده‌اند. تضمین تعهدات مالی مانند اینکه یکی از مدیران شرکت اقدام به تقاضای وام از یکی از بانکها می‌نماید ولی بانک مزبور پرداخت وام را منوط به وثیقه گذاشتن سند ملکی می‌کند. متعاقباً مدیر متقاضی وام، با معرفی یکی از املاک یا ساختمانهای شرکت و به رهن گذاشتن آن و انعقاد و تنظیم عقد رهن که مرهونه ملک متعلق به شرکت می‌باشد، موفق به اخذ وام می‌شود. و یا اینکه یکی از مدیران به علل گوناگون به مرجع قضایی احضار می‌شود تا به دعاوی و

شرکت در برابر قاعده نامحدود اختیارات مدیران است (پاسبان، ۱۳۸۹، ۱۱۹). از دیدگاه یکی از نویسندگان حقوقی، چهار عامل تصمیمات هیئت‌مدیره را محدود می‌کند (کاویانی، ۱۳۸۹، ۲، ۱۶۵). که عبارت‌اند از: ۱- قوانین آمره که هیئت‌مدیره نباید تصمیمات خلاف این قوانین اتخاذ نماید حتی اگر قرارداد شرکت تجاری و یا تصمیمات مجامع عمومی آن را تجویز نموده باشد. ۲- قرارداد شرکت تجاری اعم از شرکت‌نامه و اساسنامه که تصمیمات هیئت‌مدیره نباید مخالف آن باشد. ۳- تصمیمات مجامع عمومی سومین عامل محدودکننده دامنه تصمیمات هیئت‌مدیره است به این معنی که تصمیمات هیئت‌مدیره باید در امتداد تصمیمات مجامع عمومی باشد. ۴- مصلحت شرکت که عملاً مهم‌ترین عامل محدودکننده دامنه تصمیمات مدیران شمرده شده است. زیرا هیئت‌مدیره مکلف است اختیار خویش را جهت تحقق حداکثر منفعت برای شرکت به کار گیرد. تجزیه و تحلیل ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی بیانگر دو استثناء بر قاعده اختیارات عام مدیران است و محدودیت‌های مقرر در اساسنامه و یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی را فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر شناخته و در مقابل ثالث این‌گونه محدودیت‌ها را قابل استناد نمی‌داند.

۵-۲-۲-۳. منع اخذ تسهیلات از شرکت

یکی از محدودیت‌های تصرفات مالی مدیران شرکتهای سهامی خاص، منع اخذ تسهیلات از

شکوائیه اقامه شده علیه خویش (در رابطه با سمتی که در شرکت دارد) پاسخ دهد پس از بازجوئی‌های اولیه و بررسی مقدماتی شکوائیه، آزادی موقت مدیر منوط به توقیف ملک یا قرار صادره از سوی مرجع قضایی می‌شود. حال اگر مدیر شرکت سند مالکیت مربوط به یکی از ملاک یا ساختمان‌های متعلق به شرکت را برای آزادی خود مورداستفاده قرار دهد مرتکب تخلف از مقرراتی شده است که به شرح ماده ۱۳۲ ل.ا.ق.ت. قانون‌گذار آن را مقرر کرده است. ضمانت اجرای عدم رعایت مفاد ماده ۱۳۲ ل.ا.ق.ت. در درجه اول امکان تقاضای ابطال اقدامات انجام گرفته توسط مدیران، از سوی ذینفع در دادگاه صلاحیت‌دار وفق مفاد ماده ۲۷۰ ل.ا.ق.ت. می‌باشد. شرکت، سهامداران یا هر شخص ذینفع قادر است ابطال اقدامات غیرقانونی مدیران را از دادگاه بخواهد. در مرحله دوم کلیه خسارات وارده در اثر چنین اقداماتی قابل مطالبه خواهد بود یعنی پس از اینکه اقدام مدیر یا مدیران در اخذ وام یا تضمین دیونشان از محل دارائی شرکت در دادگاه باطل اعلام گردید، این حکم به‌عنوان دلیل، در دعوی مطالبه خسارت مورداستفاده قرار خواهد گرفت و اشخاص ذینفع با مستند قرار دادن حکم بطلان صادره، خسارت ناشی از بطلان اقدامات را مطالبه خواهند کرد.

۵-۲-۲-۴. محدودیت معاملات مدیران با شرکت

اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل هرگاه بخواهند در معاملات شرکت، طرف معامله قرار بگیرند یا سهمیم

شوند باید قبلاً از هیئت‌مدیره اجازه بگیرند. عدم کسب اجازه از هیئت‌مدیره ممکن است معامله مذکور را دچار تزلزل نموده و حتی ابطال آن را در پی داشته باشد. قسمت اول ماده ۱۲۹ ل.ا.ق.ت. در این خصوص چنین مقرر می‌دارد: «اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت و همچنین مؤسسات و شرکت‌هایی که اعضای هیئت‌مدیره و یا مدیرعامل شرکت، شریک یا عضو هیئت‌مدیره یا مدیرعامل آن‌ها باشند نمی‌توانند بدون اجازه هیئت‌مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم طرف معامله واقع شوند...». به‌طوری‌که ملاحظه می‌گردد دامنه ممنوعیت معامله بدون اجازه هیئت‌مدیره به مؤسسات و شرکت‌های دیگری نیز کشیده شده است. بدین ترتیب که نه تنها مدیران شرکت نمی‌توانند بدون کسب مجوز مذکور طرف معامله قرار بگیرند، بلکه مؤسسات و شرکت‌هایی که مدیران فوق‌الذکر در آن شریک یا مدیر هستند، بدون اجازه هیئت‌مدیره فوق‌الذکر ممنوع از معامله می‌باشند (تفرشی، ۱۳۸۳، ۲).

قانون‌گذار در ماده ۱۲۹ ل.ا.ق.ت اقدام به ایجاد یک سیستم کنترلی نموده است؛ چراکه از یک سو بیم آن می‌رود که مدیرعامل در انعقاد معامله با شرکت از موقعیت خود سوءاستفاده کند و از سوی دیگر، چه بسا ممکن است این معامله برای شرکت سودآور باشد؛ از همین رو قانون‌گذار راه‌حل بینابینی را اتخاذ نموده است. در این ماده آمده است که «مدیرعامل شرکت و همچنین مؤسسات و شرکت‌هایی که مدیرعامل شرکت، شریک یا عضو

اگر در یک شرکت بزرگ سهامی عام که سرمایه آن چندین صد هزار سهام ده هزار ریالی است دارای چند برگ سهام باشد نمی‌توان به او عرفاً شریک اطلاق کرد. به‌هرحال اگر شریک محسوب گردد، برای انجام هر معامله‌ای با آن شرکت کسب مجوز برای وی لازم خواهد بود.

۵-۲-۲-۵. ممنوعیت معاملات رقابت‌آمیز

مدیران با شرکت

یکی از آفات جدی که ممکن است منافع سهام داران و شرکاء شرکت را به خاطر اندازد و به نحوی موجب ورود خسارت مستقیم به شرکت و شرکاء و سهامداران آن گردد یا موجبات تقویت منفعت آنان را فراهم کند، ورود مدیران شرکت در معاملاتی نظیر معاملات شرکت است که متضمن رقابت با شرکت و عملیات آن می‌باشد. در حقوق تجارت ایران به این موضوع توجه خاصی شده است. م ۱۳۳ ل.ا.ق.ت جنبه آمره دارد و هیچ یک از نهادهای شرکت (مجمع عمومی، هیأت مدیره و...) نمی‌توانند به انجام خلاف قاعده رضایت دهد و اساسنامه نمی‌تواند خلاف آن را پیش بینی کند. در چارچوب اختیارات اعطایی، مدیر ممکن است از اختیارات مفوضه تخلف نماید به همین لحاظ ضروری است که تضمینی برای اجرای درست وظایف مدیریت اندیشیده شود تا مدیر از آن محدوده تجاوز نکند، «یک دسته از تضمینات ناظر بر اقدامات قبل از مدیریت است این اقدامات که به تدابیر پیشگیرانه معروف است، تضمینی برای جلوگیری از تخلفات مدیران محسوب می‌شود و

هیئت‌مدیره آنها باشند نمی‌توانند بدون اجازه هیئت‌مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌شود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم طرف معامله واقع یا سهیم شوند». بر اساس این ماده اگر مدیرعامل شرکت سهامی درصدد انجام معامله‌ای با شرکت باشد باید تشریفات مقرر رعایت شود تا به اجازه چنین معامله‌ای دست یابد؛ چراکه تمرکز قدرت نزد وی ممکن است به افزایش هزینه‌های ناشی از اشتباه در مدیریت منجر شود که در پی آن موجب تحمیل هزینه‌هایی برای سهامداران است (سجادی، ۱۳۸۷، ۱۱۱).

قبل از اصلاح قانون تجارت به‌موجب ماده ۵۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ مدیران شرکت نمی‌توانستند بدون اجازه مجمع عمومی در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم سهیم شوند. با وجود این ماده، در عمل دیده می‌شد درهرحال مجمع عمومی به‌طور کلی اجازه می‌داد که اعضای شرکت بتوانند با شرکت معاملاتی انجام داده، بدون آن که نوع آن ذکر شود. در پایان سال نیز صورت معاملات مزبور به‌ضمیمه ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت به مجمع عمومی برای تأیید تسلیم می‌شد (ستوده تهرانی، ۱۳۹۰، ۲، ۱۶۹). به‌طوری‌که ملاحظه می‌گردد شرکت‌های سهامی سابق تنها از سهیم شدن در معاملات شرکت ممنوع بودند.

منظور از شریک در صدر ماده ۱۲۹ عبارت است از این‌که مدیر یا مدیران شرکت سهامی خاص، با مؤسسه یا شرکت دیگر شریک باشند نه سهامدار جزء به نظر می‌رسد که مدیر شرکت سهامی خاص،

می‌تواند تا حدود زیادی از تجاوز مدیران از حدود اختیارات بکاهد (ایران‌پور، ۱۳۷۹، ۷۱). و شامل نظارت و بازرسی شرکاء و هیئت نظارت نسبت به اعمال مدیران، سلب صلاحیت از مدیری که فاقد صلاحیت می‌باشد و نهایتاً توقیف سهام توسط مدیران به مثابه تهدیدی جهت ممانعت از اعمال خارج از حدود اختیارات مدیر، می‌باشد. دسته دیگری از تضمین‌ها، ناظر بر اقدامات بعد از مدیریت است، بر همین اساس مقنن در سیر تحول قانون‌گذاری، نهایتاً برای حفظ سلامت اداری و وظایف مدیریت به این سمت روی آورده است که امر نظارت و بازرسی را به صورت محدود در اختیار بگیرد.

۳-۵. مسئولیت کیفری تصرف مالی شرکت از

سوی مدیران

تخطی از وظایف تعیین‌شده در خصوص تصرفات مالی مدیران در شرکتهای سهامی مسئولیت کیفری در شرایط مسئولیت کیفری به دنبال دارد. طبق بند ۳ ماده ۲۵۸ قانون تجارت «رئیس و اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت سهامی که «اموال یا اعتبارات» شرکت را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذینفع می‌باشند مورد استفاده قرار دهند» به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهند شد. یکی از جرائم مربوط به تصرفات مالی مدیران شرکت‌های سهامی خاص که مسئولیت کیفری به همراه دارد، خیانت‌درامانت است. برای

تحقق جرم خیانت‌درامانت لازم است که اموال شرکت به هیئت‌مدیره و یا مدیرعامل سپرده‌شده باشد و شرط استرداد یا به مصرف معین رسانیدن نیز وجود داشته باشد (شهری و ستوده جهرمی، ۱۳۷۷، ۱، ۷۲۹). در مورد این مسئله و احراز آن در قانون تجارت می‌توان به بند ۳ ماده ۲۵۸ رجوع کرد که بر اساس آن: «رئیس و اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت که اموال یا اعتبارات شرکت را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذینفع می‌باشند، مورد استفاده قرار دهند» سپرده شدن اموال شرکت به اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل و استعمال و استفاده آن‌ها به‌واقع شرط تحقق جرم خیانت‌درامانت است. برای تحقق جرم لازم است سوءنیت مدیران شرکت‌های سهامی احراز شود. به‌طور کلی باید گفت امانت‌گیرنده بایست با سوءنیت در مال مورد امانت تصرفات مالکانه نمایند چراکه بعضاً تصرف بر اموال شرکت، بدون سوءنیت و در جهت احقاق حق قانونی بوده که در چنین حالتی موضوع از شمول بزه خیانت‌درامانت خارج خواهد شد و این در موردی که این افراد قسمتی از اموال شرکت را در جهت برداشت حقوق عقب‌افتاده خود برداشته‌اند قابل تحقق است و البته اثبات این مهم یعنی سوءنیت یا عدم سوءنیت متهم به خیانت‌درامانت، بر عهده دادگاه خواهد بود و اما اگر مقرر بوده مال به مصرف مشخصی برسد و مدیرعامل و اعضاء هیئت‌مدیره تصرف دیگری بدون اذن در مال نموده و با سوءاستفاده مال را به نفع خود تصرف و یا به

دیگری را تلف کند، ضامن است» (موسوی خمینی، ۱۴۱۶، ۲، ۴۱۴). در کل کلمه ضمان در اصطلاح فقها به معنای اشتغال ذمه و تعهد به کاررفته است (انصاری دزفولی، ۱۴۱۰، ۵، ۲۱۸).

اصولاً مدیران شرکت در اعمال مدیریت بر شرکت در مقابل شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث مسئولیت مدنی به شکل تضامنی یا انفرادی و یا اشتراکی دارند. مسئولیت مدنی مدیران نتیجه تخلفات آنها از مقررات قانونی، یا اساسنامه و یا مصوبات مجمع عمومی است. این نوع مسئولیت که می‌تواند شکل انفرادی و تضامنی داشته باشد از تلفیق ماده ۱۴۲ و ۱۴۳ و ماده ۲۷۶ ل.ا.ق.ت.

مصوب ۱۳۴۷ استنتاج می‌شود (خزاعی، ۱۳۸۵، ۲، ۱۲۳). ماده ۱۴۲ ل.ا.ق.ت. ناظر به دوران مدیریت قبل از انحلال شرکت می‌باشد که در این خصوص مقرر می‌دارد «مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی با اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی برحسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول می‌باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود.» ماده مذکور نوعی از مسئولیت غیرقراردادی برای مدیران قائل شده است که ناشی از تخلف از تکالیف قانونی آنها ایجاد می‌شود (دمیرچیلی و همکاران، ۱۳۸۰، ۱۲۳). در واقع، تخلف مدیران از مقررات تعیین شده و یا مصوبات مجمع عمومی باید باعث ایجاد ضرر برای شرکت، سهامداران و یا اشخاص ثالث گردد تا بتوان برای آنها مسئولیت مدنی قایل شد (صفی‌نیا، ۱۳۸۱، ۱۰۲). بر این اساس هرگاه

ضرر صاحب‌مال مورد استفاده قرار داده باشد بزه خیانت‌درامانت محقق شده است (کاتبی، ۱۳۸۳، ۸۰). بر اساس قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۷۵، جرم خیانت‌درامانت، در زمره جرائم قابل‌گذشت، قرار گرفته و با تغییر در حداقل و حداکثر مجازات برخی جرائم تعزیری، مجازات جرم خیانت‌درامانت و میزان حکم آن، از ۶ ماه تا سه سال، به نصف، یعنی ۳ ماه تا یک و نیم سال، تقلیل یافته است.

۴-۵. ضمان (مسئولیت مدنی) مدیران

شرکت‌های سهامی خاص

در متون فقه اسلامی کلمه ضمان در معنای مسئولیت حقوقی به کار می‌رود و ریشه آن «ض.م.ن» است. در قرآن کریم کلمه ضمان به کار نرفته اما مترادف آن وجود دارد. برای مثال «وَلَمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلٌ بَعِيرٌ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ» (یوسف/۷۲) این آیه در خصوص ماجرای حضرت یوسف است که جام پادشاه را در بار برادران یوسف قرار داده بودند و شخصی از نگهبانان گفت «هر کس آن را بیاورد یک‌بار شتر مزدگانی اوست و من ضامن آن هستم» در اینجا کلمه زعیم در معنای ضامن به کاررفته است اما در روایات کلمه ضمان به‌طور فراوان یافت می‌شود برای نمونه روایتی از امیرالمؤمنین علی (ع) است که می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ» (زمخشری، ۱۴۱۷، ۴، ۱۳۲). در اینجا نیز کلمه ضمان به معنای مسئول آمده است. نمونه دیگر را می‌توان به روایتی که در خصوص قاعده اتلاف آمده است اشاره کرد «هر کس مال

اساسنامه و تلاش جهت انجام تصمیمات قانونی مجمع عمومی از تکالیف مدیرعامل است. ید مدیرعامل شرکت سهامی خاص، ید امانی است و موظف است از این موقعیت فقط در جهت منافع سهام‌داران استفاده کند لذا در قانون تجارت برای هرگونه سوءاستفاده و تقلب، محدودیت‌هایی در معاملات مدیران با شرکت وضع شده است. به‌رحال مدیرعامل موظف است به نحوی عمل نماید که به بهترین وجه ممکن منافع شرکت تأمین گردد. آنچه مسلم است هیئت‌مدیره باید بتواند اختیارات مدیرعامل را در صورت لزوم محدود نماید ولی این محدودیت نباید موجبات سلب مدیریت مدیرعامل را فراهم سازد.

مدیران شرکت‌های سهامی در تصرفات اموال شرکت دارای مسئولیت کیفری و مدنی هستند. در حقوق ایران در باب این جرم توسط این افراد در اموال شرکت در شرکت‌های سهامی در ماده ۲۵۸ به‌صراحت اشاره شده است. بر اساس ماده مورد اشاره استفاده مدیران شرکت‌های سهامی از اختیارات با سوءنیت برخلاف منافع شرکت به‌خاطر شرکت یا موسسه دیگری که مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذینفع می‌باشند، حبس از یک تا سه سال را به دنبال دارد. مقنن در لایحه اصلاحی و لایحه جدید برای مسئولیت مدنی مدیران شرکت‌های سهامی سه نوع مسئولین انفرادی، مشترک و تضامنی پیش‌بینی نموده است. در مسئولیت اشتراکی، هرکدام از مدیران مسئول پرداخت بخشی از خسارت است اما در مسئولیت تضامنی هرکدام از متخلفان در مقابل پرداخت همه

هیئت‌مدیره مقررات مربوط به طرز تشکیل و دعوت مجمع عمومی را رعایت نکند و بدین ترتیب تصمیمات متخذه در مجمع عمومی مواجه با بطلان گردد چنانچه از این بطلان، شرکت یا شخص ثالث مدعی ورود ضرر گردند، می‌توانند جبران آن را از مدیران یا مدیرعامل واردکننده ضرر مطالبه کند.

۶. نتیجه

نتایج نشان داد که در فقه در خصوص تصرفات مالی شرکت‌های سهامی خاص به‌عنوان یک پدیده نوظهور، قاعده خاصی وجود ندارد اما مطابق با منع تصرف شریک در اموال شریک دیگر در عقد شرکت، می‌توان به منع تصرفات مالی شرکت سهامی خاص از سوی مدیران به طریق اولی نظر داد. در حقوق تجارت نیز سازوکارهای متعددی در راستای منع تصرفات مالی شرکت سهامی خاص از سوی مدیران اندیشیده شده است. مطابق ماده ۱۱۸ قانون تجارت، حدود اختیارات هیئت‌مدیره در قوانین و مقررات جاری کشور، اساسنامه شرکت و مصوبات مجمع عمومی صاحبان سهام تعیین می‌شود. ذکر همه موارد اختیارات و تکالیف مدیران در اساسنامه یا مصوبات مجمع عمومی مقدور نیست؛ ولی به حکم عقل و منطق؛ باید حدود متعارف برای خوب اداره کردن، رعایت شود، در غیر این صورت مدیران مسئول خواهند بود. مدیرعامل شرکت سهامی نیز که از طرف هیئت‌مدیره انتخاب می‌شود و به نمایندگی از طرف شرکت اختیارات قانونی دارد. رعایت مقررات قانونی راجع به شرکت‌های سهامی، مدنظر قراردادن مقررات

خسارت مسئولیت دارد. قانون‌گذار در لایحه جدید بیشتر بر انفرادی بودن مسئولیت مدیران تأکید نموده است.

به نظر می‌رسد چنانچه در رابطه باحق اقامه دعوی از سوی سهامدار این حق به‌طور صریح و شفاف در تمام موارد در مقررات قانونی ذکر شود مفیدتر از آن است که از واژه‌ی ذینفع استفاده گردد تا در نتیجه جای هیچ مناقشه‌ای نباشد. علاوه بر این، از آن‌جا که دعوی تجاری و مسئولیت را اصولاً باید در دادگاه تجاری اقامه نمود به اقتضای اصل سرعت و دقت از این‌رو پیش‌بینی وجود محاکم تجاری و تخصصی به‌منظور رسیدگی به اختلافات و دعاوی تجاری به نظر می‌رسد اقدام شایسته‌ای خواهد بود.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به‌صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش، تضاد منافی وجود ندارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابوعطا، محمد، پوررشید، سیده زهرا، «دعوی مسئولیت مدنی سهامداران علیه مدیران شرکت سهامی در حقوق ایران و فرانسه»، مجله مطالعات حقوق خصوصی، شماره اول، ۱۳۹۶.
- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت شرکتهای تجاری، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۵.
- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، چاپ هشتم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت شرکتهای تجاری، جلد اول، چاپ هفتم، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
- انصاری دزفولی، مرتضی، مکاسب (المحشی)، جلد پنجم، قم، موسسه مطبوعاتی دار الکتب، ۱۴۱۰.
- ایران پور، فرهاد، «قانون حاکم بر حدود اختیارات مدیران شرکتهای سهامی»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره چهل و نهم، ۱۳۷۹.
- پاسبان، محمدرضا، «اهلیت شرکتهای تجاری و حدود اختیارات مدیران شرکتهای تجاری»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره پنجاه و یکم، ۱۳۸۹.
- پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکتهای تجاری، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
- نفرشی، محمد عیسی، سکوتی نسیمی، رضا، «بیع سهام شرکتهای سهامی»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره چهل و یکم، ۱۳۸۳.
- خزاعی، حسین، حقوق تجارت (شرکتهای تجاری)، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، نشر قانون، ۱۳۸۵.
- دمیرچیلی، محمد، حاتمی، علی، قرائی، محسن، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، تهران، انتشارات خلیج فارس، ۱۳۸۰.
- رسائی نیا، ناصر، مجموعه قوانین اساسی - مدنی، چاپ اول، تهران، نشر سمن، ۱۳۷۵.
- زمخشری، ابوالقاسم محمد بن عمر، الفائق فی غریب الحدیث، جلد چهارم، بیروت-لبنان، دار المکتب العلمیه، ۱۴۱۷.
- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد دوم، چاپ چهارم، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۰.
- سجادی، سید علی، «تحلیل شرکت از دیدگاه اقتصادی»، نشریه اندیشه حقوق خصوصی، شماره سیزدهم، ۱۳۸۷.
- شهری، غلامرضا، ستوده جهرمی، سروش، نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران در مسائل کیفری از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۱، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات روزنامه رسمی، ۱۳۷۷.
- صفی نیا، نورالدین، درآمدی بر قانون شرکتهای تجاری در ایران، چاپ اول، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الأمامیة، جلد دوم، مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۸.
- طوسی، محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، قم، انتشارات قدس محمدی، ۱۴۱۶.
- عاملی، محمد بن جمال الدین مکی (شهید اول)، اللعمه دمشقیه، تهران، انتشارات دار العلم، ۱۳۷۷.
- عاملی، زین الدین بن نورالدین الجبعی (شهید ثانی)، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، جلد اول، قم، دارالهدی، ۱۴۱۳.
- عرفانی، محمود، حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری)، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات جنگل جاودانه، ۱۳۸۸.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- عیسائی تفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۷.
- قنبریان، مهدی، «بررسی مسئولیت مدنی بازرسان شرکت‌های سهامی عام و خاص»، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره سه، شماره اول و چهارم، ۱۳۹۶.
- کاتبی، حسینقلی، حقوق تجارت، چاپ پنجم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۳.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (مشارکت‌ها صلح و عطایا)، چاپ اول، تهران، نشر اقبال، ۱۳۶۳.
- کویانی، کورش، حقوق شرکت‌های تجاری (حقوق تجارت)، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹.
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین، المختصر النافع، قم، موسسه بعثه قم، ۱۴۱۶.
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد دوم، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۰۸.
- ملک‌زاده، فهیمه، فرهنگ حقوق تجارت، چاپ دوم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۱.
- موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، جلد اول، قم، دارالکتب العلمیه اسماعیلیان نجفی، ۱۳۹۰.
- موسوی خمینی، سید روح الله، مکاسب المحرمه (للامام خمینی)، جلد دوم، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس، ۱۴۱۶.